

انقلاب جنسی آمریکا

پیتریم سوروکین

مترجم: روح‌الله گلمرادی



۱۴	مقدمه
۱۷	انقلاب جنسی در غرب
۱۸	انقلاب جنسی در ایران
۲۰	انقلاب جنسی در آمریکا
۲۷	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۰	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۱	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۲	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۳	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۴	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۵	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۶	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)
۳۷	انقلاب جنسی در آمریکا (ادامه)



فهرست

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۵
غریزه جنسی در قرون وسطی و عصر رنسانس	۱۶
غریزه جنسی در عصر انقلاب صنعتی	۱۷
غریزه جنسی در عصر سرمایه‌داری	۱۸
انقلاب جنسی	۱۹
بحران جنسی در ایران	۲۰
پیش‌گفتار	۲۷
فصل اول: انقلاب در رفتار جنسی	۲۹
انقلاب عجیب و غریب	۳۱
چرا این انقلاب اهمیت دارد؟	۳۲
معدود آمارهای گویا	۳۵
رشد ناتوانی در سازگاری متقابل	۳۷

۳۸	زوال عشق والدینی
۳۹	تکثیر بی قید و بندی جنسی
۴۱	رشد اعتیاد جنسی
۴۷	فصل دوم: جنسی سازی فرهنگ آمریکایی
۴۹	ادبیات
۵۸	نقاشی و مجسمه سازی
۶۲	موسیقی
۶۷	تئاتر، سینما، تلویزیون و رادیو
۷۱	مطبوعات عامه پسند
۷۳	تبلیغات
۷۵	علم
۸۰	اخلاق و دین
۸۳	حقوق
۸۵	حیات سیاسی
۸۶	جنبه های دیگر فرهنگ
۹۰	همه فرهنگ
۹۳	فصل سوم: اثرات زیاده روی جنسی بر فرد و معاشرانش
۹۵	نظریه غالب
۹۶	اثرات زیاده روی جنسی بر سلامت و طول عمر
۱۰۱	اثرات زیاده روی جنسی بر سلامت روانی
۱۰۶	اثرات زیاده روی جنسی بر کمال اخلاقی
۱۰۷	اثرات زیاده روی جنسی بر خلاقیت
۱۱۳	اثرات زیاده روی جنسی بر خوشبختی
۱۱۴	اثرات زیاده روی جنسی بر خانواده و معاشران

فصل چهارم: اثرات اجتماعی و فرهنگی هرج و مرج جنسی ۱۱۷

اثرات هرج و مرج جنسی بر یکپارچگی روانی و عاطفی و ارادی ۱۲۴

اثرات هرج و مرج جنسی بر اخلاق، قانون و سنت‌های اجتماعی .. ۱۲۹

بعضی مصادیق ۱۳۲

طبقات حاکم ۱۴۴

فصل پنجم: جایگاه امر جنسی در رشد سازنده و فروپاشی جوامع ۱۴۹

دو تعمیم ۱۵۱

تعمیم‌های تکمیلی ۱۶۵

فصل ششم: آمریکا بر سرِ دوراهی ۱۷۷

بیراههٔ خطرناک انفعال ۱۷۹

سلامت و نشاط ملی ۱۸۵

خلاقیت در علم ۱۸۹

دین و فلسفه و اخلاق ۱۹۰

هنرها و علوم ۱۹۶

نتایج کلی ۱۹۹

فصل هفتم: از هرج و مرج جنسی به نظم جنسی معتدل ۲۰۱

انسان کامل و عشق کامل ۲۰۳

الزامات عشق کامل در جوانان ۲۰۸

الزامات عشق کامل در رابطهٔ عاشقانه ۲۱۵

الزامات عشق کامل در ازدواج ۲۱۷

شرافت‌بخشی به فرهنگ و حیات اجتماعی ۲۲۵

قانون قطبی شدن ۲۲۹

پیش‌گفتار

امروزه مطالعه «امر جنسی» یا «سکسوالیته» یکی از مطالعات بنیادین در علوم اجتماعی است. اهمیت این موضوع از این روست که غریزه جنسی پس از غریزه گرسنگی، قوی‌ترین غریزه انسانی است و سایر ابعاد انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به زبان دیگر، می‌توان غریزه جنسی را پیشران و نقطه عزیمت فرایند معناسازی اجتماع انسانی قلمداد کرد. از همین رو، معناسازی، تعامل و بازتولید غریزه جنسی در ارتباط با سایر ابعاد و ساختارهای نظام اجتماعی (فرهنگ، مذهب، اقتصاد، سیاست، حقوق، آموزش، رسانه و...) امر جنسی جامعه را شکل می‌دهند که کارکرد اصلی آن پاسخ مثبت و ارزش‌محور به نیاز جنسی و سپس تحقق معنامندی و نظم جنسی در جامعه است.

فارغ از این موضوع، طی دهه‌های اخیر، بیشترین نزاع‌ها در خصوص امر جنسی جوامع، شباهت زیادی به اختلافات مذهبی در قرون پیشین بر سر این موضوع دارد. امر جنسی از یک سو وزنی نمادین دارد و ابزاری برای کنترل قدرت و جابه‌جایی

اضطراب‌های اجتماعی و تخلیه‌کننده منازعات عاطفی و ارزشی جامعه است و از سوی دیگر، ارتباط تنگاتنگ و پیچیده‌ای با سایر ابعاد نظام اجتماعی جامعه دارد. همین موضوع باعث شده است رویکردها و گفتمان‌های متفاوتی حول آن شکل گیرند؛ گفتمان‌هایی که تغییرات امر جنسی را در لایه‌ها و محورهای گفتمانی خود تحلیل می‌کنند و در تعامل و مواجهه با تغییرات آن، راهبردهایی متناسب با گفتمان خود پیشنهاد می‌دهند.^۱

در همین راستا، یکی از مفاهیمی که در دهه‌های اخیر توصیف‌کننده مناسبی برای تغییرات گسترده امر جنسی در جوامع غربی است، مفهوم «انقلاب جنسی» است؛ بدین معنا که گاه پویایی و تحولات امر جنسی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان از بی‌نظمی یا آشوب جنسی صحبت کرد، بلکه حاصل این تغییرات و تحولات، شوریدگی یا باختن^۲ نظام معنایی امر جنسی سابق است که پس از آن، شکل‌گیری نظم جنسی را می‌توان انتظار داشت. به تعبیر فوکو، این گفتمان جنسی، جدید است و از این فرایند با عنوان انقلاب جنسی^۳ یاد می‌شود؛ مثلاً می‌توان به تغییرات گفتمان جنسی کشورهای روسیه و آمریکا در قالب مفهوم انقلاب جنسی در سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۶۰ اشاره کرد.

بر همین اساس، پس از تحقق انقلاب جنسی در غرب، انتظار می‌رفت هر گفتمان یا هر رویکرد، تغییرات امر جنسی را ناظر به تأثیر علل و عوامل، اهداف و راهبردهای

۱. این بحث را نیز می‌توان در تبارشناسی تحلیل گفتمان فوکویی ردیابی کرد؛ چراکه وی با خلق مفاهیمی همچون «تعادل» و «عدم تعادل»، «حاشیه» و «متن» و ارتباط میان این دو، فروپاشی ساختارها، از جمله ساختار قدرت سیاسی را امری مسلم می‌داند. وی معتقد است عدم تعادل، خصلت ذاتی هر ساختار یا گفتمان غالب است و این خصلت ذاتی است که همه گفتمان‌های حاکم را به سوی فروپاشی سوق می‌دهد (فوکو، ۱۳۸۴).

2. Deformation

3. Sexual revolution

مشخصی تحلیل کند. از همین جهت است که در غرب برای پدیدهٔ انقلاب جنسی تعاریف و توصیفات مختلفی مطرح شد و افراد مختلفی تلاش کردند برای این پدیده مفهوم‌پردازی و نظریه‌پردازی کنند؛ مثلاً می‌توان به نخستین آثار در این زمینه شامل دو کتاب مهم با عناوین *امر جنسی و جنگ فرهنگ*^۱ اثر ویلهلم رایش^۲ و نیز *انقلاب جنسی آمریکایی*^۳ اثر پیتیریم سوروکین^۴ اشاره کرد.

شایان ذکر است وجود رویکردهای نظری مختلف و همچنین گستردگی پدیدهٔ انقلاب جنسی، زوایا و ابعاد متفاوتی را در فرایند مفهوم‌پردازی امر جنسی روشن ساخت که از جمله می‌توان به تفکیک دو گونهٔ انقلاب جنسی در تاریخ تحولات امر جنسی اشاره کرد: «انقلاب جنسی مارکسیستی» و «انقلاب جنسی لیبرالیستی». در انقلاب جنسی مارکسیستی که ویلهلم رایش آن را مطرح کرد، مفهوم بنیادین، عدالت جنسی در راستای تحقق کمون ثانویه است؛ از این رو تغییر و دگرگونی در ساختار خانواده که متأثر از اندیشه‌های مارکس و انگلس است، در این فرایند معنادار می‌شود. همچنین پیتیریم سوروکین در کتاب *انقلاب جنسی آمریکا* که سه سال پیش از تحقق انقلاب جنسی ۱۹۵۷ به نگارش درآمد، باور دارد که کاپیتالیسم و لیبرالیسم، مبتنی بر مفاهیمی همچون نسبیّت‌گرایی و فردگرایی، برای رسیدن به آزادی و رهایی جنسی، ارزش‌های فرهنگی و ساختار خانوادهٔ آمریکایی را ویران کرد. از این حیث، او معتقد است در راستای حرکت از آنارشیسم جنسی به سمت نظم جنسی و نجات نهاد خانوادهٔ آمریکایی و نیز به‌رغم فهم و شناخت تاریخی و ساختاری پدیدهٔ انقلاب جنسی آمریکایی، باید در میان نسل جوان، سیاست‌هایی را برای بازاندیشی در مفهوم عشق و بازتولید آن، طراحی و اجرا کرد.

-
1. Sexuality in the Kulturkampf, 1936
 2. Wilhelm Reich
 3. The American sex revolution, 1957
 4. Pitirim Alexandrovich Sorokin

مقدمه

گریزه جنسی پس از گریزه گرسنگی قوی ترین گریزه انسانی است که سایر ابعاد انسانی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. نکته بسیار مهم در مورد غرایز انسانی و به طور خاص گریزه جنسی، این است که هرچند گریزه جنسی در شکل ابتدایی خود حیوانی است، در انسان، تنها در حد غریزه باقی نمانده و در مرتبه بالاتری چند مرحله، به فرهنگ تبدیل و انسانی شده؛ یعنی پوششی از نمادپردازی ها و آداب و رسوم و دیگر عناصر فرهنگی به دور آن پیچیده و در منطقه جغرافیایی خاصی، میان عناصر موجود، نوعی ترکیب فرهنگی شکل گرفته است. همچنین این گریزه به مرور زمان در اثر شباهت و همگونی این عناصر و روابط میان آن ها، فرهنگ جنسی خاصی را به وجود آورده است؛ به عبارتی تعامل و بازتولید گریزه جنسی در ارتباط با سایر ابعاد و ساختارهای نظام اجتماعی (مذهب، اقتصاد، سیاست، آموزش، رسانه و...) امر جنسی جامعه را شکل می دهد. به همین دلیل بخش اعظم فرهنگ مربوط به امر جنسی است و در قوانین، زبان، نهادها و ساختارهای اجتماعی، آئومی و

ناهنجاری‌های اجتماعی و... نمایان است؛ بنابراین چنانچه فرهنگ جنسی سامان مند و بهنجار نباشد، می‌توان بی‌سامانی را در سایر نظامات اجتماعی مشاهده کرد. به همین دلیل است که مکاتب هنجاری، چه الهی و چه انسانی، مسائل جنسی را مختوم ندانسته‌اند، بلکه در ریزترین موضوعات آن مداخله و برای هنجارمندی و قاعده‌مندی آن تلاش کرده‌اند.

در هر برهه‌ای از تاریخ بشری به حسب زمینه‌ها و سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی، نحوه مواجهه جوامع با غریزه جنسی تحولاتی داشته است. این مهم موجب پدید آمدن امر جنسی‌های گوناگونی شده است؛ مثلاً می‌توان به تغییرات شگرفی اشاره کرد که امروزه در ساحت امر جنسی جوامع غربی رقم خورده است. در توصیف چنین تحولاتی از مفاهیمی همچون انقلاب جنسی، سیالیت جنسی، گفتمان جنسی و... استفاده می‌شود. با توجه به گسترش درهم تنیدگی و تبادل میان فرهنگ‌ها، این تحولات به غرب محصور نبوده و بر سایر فرهنگ‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. همچنین برای فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر وضعیت امروزی امر جنسی، ناگزیریم برای تغییرات و تحولات معرفتی و فرهنگی از رویکردهای تاریخی آن استفاده کنیم. در این نوشتار تلاش می‌شود امر جنسی در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله قرون وسطی، رنسانس، انقلاب صنعتی و عصر سرمایه‌داری به اجمال بررسی شود.

غریزه جنسی در قرون وسطی و عصر رنسانس

در قرون وسطی، انسان کامل محور هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی بود و چون انسان‌های کامل در مسیحیت، یعنی حضرت مسیح ﷺ و حضرت مریم ﷺ و حضرت یحیی ﷺ هیچ‌کدام ازدواج نکرده بودند، دوری از عمل جنسی در مسیحیت، شرطی برای سعادت انسان شمرده می‌شد. به تدریج ترک عمل جنسی به ترک کلی عمل جسمی نیز کشانده شد. در دوران قرون وسطی، انسان‌هایی اعم از زن و مرد، دور از شهرها در نقاط دورافتاده جنگل‌ها و کوه‌ها و بیابان زندگی می‌کردند

و به دور از لذت‌های جسمی زندگی کاملاً مجردانه‌ای داشتند. در همین راستا انگاره پوشش و حجاب نیز در چهارچوب مفهومی رهبانیت فهم شده و تلاشی در جهت دوری کامل از لذت‌های جسمانی بود.

با شروع رنسانس، تفسیر دیگری از انسان کامل ارائه شد که بر فرهنگ جنسی غرب به شدت اثر گذاشت. بنا بر این تفسیر، خداوند در جسم انسان (عیسی) تجلی یافته بود؛ پس جسم انسان تقدس یافت و محور زیبایی‌شناسی در عصر رنسانس، جسم انسان قرار گرفت. نمود این در آثار لئوناردو داوینچی و میکل آنژ و رافائل روی دیواره‌های کلیساهای روم و فلورانس مشهود است؛ چنان‌که جسم‌های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ روی دیوارها ترسیم می‌شد یا در مجسمه‌ها تجسم می‌یافت. البته آلت‌های جنسی اناث حذف و آلت‌های جنسی مذکور بسیار کوچک ترسیم می‌شد تا گفته شود خود جسم محل نظر است، نه مسائل جنسی آن؛ ولی با همین ترسیم انسان برهنه، اولین قدم برهنگی در غرب، با نوعی تفسیر از انسان کامل رخ داد، چنان‌که بعدها می‌توان رشحات این تفسیر را در آثار و نامه‌های خصوصی زیگموند فروید، مبتنی بر خوانشی یهودی^۱ از امر جنسی مشاهده کرد. فروید با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسی مسیحیت هجوم برد و سعی کرد بر برهنگی جنسی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی، تأکید کند و ریشه‌ی تمامی عقده‌های انسانی را در حجاب (به معنای عام) که مانع عمل جنسی در طول زندگی انسانی می‌شود، خلاصه کند.

غریزه جنسی در عصر انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی در غرب از یک سو منجر به افزایش مهاجرت جغرافیایی انسان‌ها از مکان‌های کوچک به مکان‌های بزرگ شد و از سوی دیگر، با افزایش تعامل و تماس دو جنس در سطوح مختلف کاری، هنجارشکنی جنسی را گسترش داد. حال اگر

۱. فرهنگ یهودی یکی از فرهنگ‌های دینی جنسی‌گراست که بر رابطه‌های جنسی محرم مثل دختر و پدر، پسر و مادر، برادر و خواهر با دیده‌ی اغماض نگریسته است و آن‌ها را بی‌اشکال دانسته است.